

بررسی عوامل قبض و بسط رزق و روزی در قرآن و عهدین

محمدعلی همتی*

تاریخ دریافت: ۹۸/۵/۱۶

وفادار کشاورزی**

تاریخ پذیرش: ۹۸/۹/۱۸

مرضیه حسین آبادی***

چکیده

خداوند رزاق نه تنها رزق انسان‌ها بلکه تمام موجودات را بر خود فرض کرده است با این تفاوت که وسعت و ضیق رزق انسان‌ها عوامل گوناگونی دارد که بسیاری از این عوامل به عملکرد آنان برمی‌گردد. رزق مادی در قرآن شامل مایحتاج زندگی و رزق معنوی مصادیق متعددی چون عمر با برکت دارد. در قرآن کریم رفتار انسان نسبت به روزی‌ها در استمرار، بسط، قطع و قبض آن‌ها دخالت دارد؛ موضوعی که در عهدین نیز آمده است و از آنجا که جوهر اصلی اسلام، یهودیت و مسیحیت یکی است، آموزه‌های این ادیان که در کتب آسمانی‌شان متبلور شده، شباهت‌هایی دارند. این مقاله به روش تطبیقی - تحلیلی به بررسی عوامل قبض و بسط رزق در قرآن و عهدین می‌پردازد. قرآن و عهدین روزی رسان را خداوند معرفی کرده و از مهم‌ترین عوامل بسط رزق در هر دو، اطاعت از خدا و از مهم‌ترین عوامل قبض آن سرپیچی از فرامین الهی ذکر شده است.

کلیدواژگان: قرآن، عهدین، رزق، روزی، نعمت، قبض، بسط.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

* استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، گروه تفسیر و علوم قرآن.

mohammadalihemati@gmail.com

** استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، گروه تفسیر و علوم قرآن.

*** کارشناسی ارشد تفسیر و علوم قرآن.

نویسنده مسئول: وفادار کشاورزی

مقدمه

از آن جهت که اسلام در سلسله تاریخی ادیان ابراهیمی، آخرین دین به شماره می‌آید و پیامبر اسلام(ص) از سوی خداوند مبعوث گشت تا آنچه را که در گذشته به عنوان تورات و انجیل بر موسی(ع) و عیسی(ع) نازل شده بود تصدیق و تکمیل نماید، بجاست که برای درکی ژرف‌تر از اسلام، وجوه مشترک این دین آسمانی در قرآن کریم با عهدین مورد مقایسه و پژوهش قرار گیرد تا اندیشه‌های مشابه بنیادین این ادیان که یک خاستگاه سامی و ابراهیمی دارند، شناخته شود. هرچند طبق برخی آیات قرآن در تورات و انجیل تحریف واقع شده است، اما با این وجود، قرآن تورات و انجیل کنونی را فی الجمله پذیرفته است، لذا شایسته است که مورد مطالعه و بررسی قرار گیرند. این مطالعه و بررسی از سویی معنای قرآن را برای ما روشن‌تر می‌کند و برخی فقرات تورات و انجیل را که ممکن است تحریف شده باشند، معرفی می‌کند و از سوی دیگر، در دنیای امروز، برای دستیابی به گفت‌وگویی بین ادیانی نیازمند آگاهی از آموزه‌های عهدین نیز هستیم. از این رو یکی از مفاهیم کلیدی مشترک قرآن و عهدین، مفهوم قبض و بسط رزق و روزی انسان است که این مقاله به بررسی آن می‌پردازد.

پیشینه تحقیق

در رابطه با پیشینه موضوع، گرچه درباره رزق و روزی و عوامل قبض و بسطش در قرآن و روایات اسلامی، مقالات و کتبی تألیف شده است؛ اما هیچ کدام به بررسی آن در عهدین و یا مطالعه تطبیقی این موضوع بین قرآن و عهدین نپرداخته‌اند. برخی از این آثار عبارت است از:

۱. کتاب «رزق و روزی از دیدگاه قرآن و حدیث»، علی متین، پژوهشکده باقر العلوم(ع)، ۱۳۹۴

۲. مقاله «رزق و روزی در قرآن و روایات»، احمد جدیدی، پژوهشنامه معارف قرآنی، شماره ۵، تابستان ۱۳۹۰

۳. مقاله «معناشناسی کاربرد مفهوم رزق در قرآن کریم»، اصغر هادوی و همکاران، پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن، شماره ۱۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۶

۴. مقاله «وسعت و تنگی رزق»، داود الهامی، درس‌هایی از مکتب اسلام، شماره ۱۲،

۱۳۷۵

۵. مقاله «باز کاوی عوامل توسعه رزق در اسلام»، محمد فولاد و سمیه خاری آرانی،

ماهنامه معرفت، شماره ۲۱۲، مرداد ۱۳۹۴.

مفهوم رزق در قرآن و مصادیق آن

رزق در قرآن، بخشش مدام و پیوسته یا نصیب و بهره‌ای است که به دو مفهوم مادی و معنوی یا اخروی به کار رفته است (راغب اصفهانی، ۱۳۶۹، ج ۲: ۶۷). با توجه به این تعریف نعمت و برکت را می‌توان از مصادیق رزق به شمار آورد و به معاش و معیشت به عنوان مترادف آن اشاره نمود که به معنای وسیله گذران زندگی و محل کسب رزق و روزی است.

یکی از مهم‌ترین مصادیق رزق دنیوی، عموم خوراکی‌هاست که در قرآن در آیات متعددی به آن‌ها اشاره شده است، مانند: ﴿فَلْيَأْتِكُمْ بِرِزْقٍ مِنْهُ﴾ (کهف/ ۱۹). همچنین هرچه که به صورت ابزار به کار می‌رود، مانند علم و نبوت، از مصادیق رزق است. راغب در این خصوص به آیه: ﴿وَأَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَّ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ﴾ (منافقون/ ۱۰) استناد کرده و می‌گوید که رزق در آیه فوق، اشاره به مال و مقام و دانش دارد. همچنین رزق به تمام چیزهایی که از زمین به دست می‌آید و خداوند همه آن‌ها را نتیجه آب و باران نازل از آسمان دانسته، اطلاق می‌شود، مانند: ﴿وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ﴾ (بقره/ ۲۲) و: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلالًا طَيِّبًا﴾ (بقره/ ۱۶۸) (راغب اصفهانی، ۱۳۶۹، ج ۲: ۶۷).

برخی از آیات قرآن به رزق معنوی اشاره دارد، مانند: ﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا﴾ (اسرا/ ۷۰)، تکریم انسان و برتری دادن به او، نمونه رزق معنوی است و در سوره آل عمران به نمونه‌ای از نعمت‌های اخروی اشاره شده است: ﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ﴾ (آل عمران/ ۱۶۹). خداوند در قرآن خود را روزی‌دهنده معرفی کرده، می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ﴾ (ذاریات/ ۵۸) رزاق در این آیه دلالت بر عموم رزق می‌کند. راغب

می‌گوید: رازق به آفریننده رزق و بخشنده و مسبب آن اطلاق می‌شود. ولی رزاق فقط درباره خدای تعالی گفته می‌شود (راغب، ۱۳۶۹، ج ۲: ۶۷).

صاحب «قاموس قرآن» می‌گوید: «رازق تمام مخلوقات اولاً و بالذات خداوند است چنانکه در آیه ۵۸ ذاریات، مقدم شدن «هو» دلیل حصر است. و این صفت محصور خداوند و مخصوص اوست و اگر به غیر از خدا اطلاق شود بالعرض و به واسطه است. با توجه به برخی از آیات قرآن از جمله آیاتی که در آن‌ها به روزی دادن به دیگران دستور داده شده (نساء/ ۵ و ۸) و اینکه خداوند در قرآن خود را بهترین روزی دهندگان می‌خواند (حج/ ۵۸؛ مؤمنون/ ۷۲؛ سبأ/ ۳۹؛ مائده/ ۱۱۴)، می‌توان گفت خدا رازقان را بسیار شمرده و خود را بهترین آن‌ها خوانده است» (قرشی بنایی، ۱۳۷۱، ج ۳: ۸۲). اکنون که معنای رزق بررسی گردید و به آیاتی اشاره رفت در ادامه عوامل وسعت رزق و روزی انسان‌ها در قرآن مورد بررسی قرار می‌گیرد.

عوامل بسط روزی در قرآن

در قرآن عوامل مختلفی برای بسط و قبض روزی ذکر شده است. از جمله شکر قلبی، زبانی و عملی بر نعمت‌ها، اطاعت از فرمان خدا و تقوا، خواست و امتحان خداوند در جهت تربیت انسان و بروز ویژگی‌های فداکاری و اعتدال، تلاش و کوشش انسان، عقوبت کافران، یاد خدا، استغفار، ازدواج، صدقه و انفاق و... است که در ذیل به آن‌ها پرداخته می‌شود.

۱. شکر نعمت

شکر نعمت، «در حقیقت استعمال نعمت است به نحوی که احسان منعم را یادآوری و اظهار می‌کند و در مورد خدای تعالی برگشت به ایمان و تقوی می‌شود» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۲: ۲۹). بارزترین آیه ناظر به بحث، آیه ﴿...لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ...﴾ (ابراهیم/ ۷) است. بیش‌تر مفسران شکر نعمت را در این آیه اطاعت خداوند دانسته‌اند (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱۳: ۱۲۴؛ قرطبی، ۱۳۶۴ش، ج ۱۰: ۳۴۳). طبق تعریف علامه ایمان و تقوایی که منجر به اطاعت اوامر الهی باشد موجب کثرت نعمت می‌شود. علامه

می‌گوید: «در این آیه خداوند وعده زیاد کردن نعمت را به طور صریح (آن هم با نون تأکید) آورده و فرموده: لَأَزِيدَنَّكُمْ: حتما نعمت را برایتان زیاد می‌کنم» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۲: ۲۹). علامه طباطبایی معتقد است که آیه شریفه مطلق است و دلیلی نیست که ما آن را به وعده و وعیدهای دنیوی اختصاص دهیم و یا مختص آخرتش بنماییم، وانگهی از آیات کریمه قرآن کاملاً استفاده می‌شود که ایمان و کفر، و تقوا و فسق، هم در شئون زندگی دنیا تأثیر دارند، و هم در زندگی آخرت (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۲: ۳۰).

بر اساس سخن اخیر علامه که تقوا در شئون زندگی تأثیر دارد، یکی از این شئون، رزق است، قرآن می‌فرماید: ﴿...وَمَنْ يَشِقِ اللَّهُ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجاً وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ...﴾ (طلاق/ ۲-۳): «...و هر کس از خدا پروا کند، [خدا] برای او راه بیرون‌شدنی قرار می‌دهد. و از جایی که حسابش را نمی‌کند، به او روزی می‌رساند...». یا در آیه دیگر آمده است که ﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ...﴾ (اعراف/ ۱۶۳): «و اگر مردم شهرها ایمان آورده و به تقوا گراییده بودند، قطعاً برکاتی از آسمان و زمین برای‌شان می‌گشودیم...». برکات جمع و نکره آمده تا تمامی آنچه برای انسان‌ها مفید است را شامل شود و قطعاً مبادی تحصیل رزق و روزی مادی زمین است و اگر زمین بیمار باشد و به سبب عدم نزول باران طراوت خود را از دست بدهد به تبع آن خشکسالی و قبض رزق و روزی ظاهر می‌شود. با توجه به آیات فوق می‌توان گفت: شکر نعمت، مراتبی دارد که برترین مرتبه آن تقوای الهی است که ثمرات فراوانی چون افزایش رزق دارد. برخی معتقدند مراد از افزایش نعمت در آیه ﴿...لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ...﴾ (ابراهیم/ ۷) جهان آخرت است، نه در دنیا؛ زیرا مسلم است که مقصود از عذاب سخت، بر اثر کفران عذاب آخرت است. بنابراین، مراد از پاداش سپاس هم باید پاداش جهان آخرت باشد (مغنیه، ج ۴: ۶۶۳). به نظر نمی‌آید سخن مغنیه صواب باشد؛ زیرا روایات فراوانی از فریقین وارد شده که فزونی نعم را دنیوی دانسته‌اند (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۴: ۷۱؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۶۵). برخی با توجه به روایات شکر نعمت را شامل شکر عملی، قلبی و زبانی می‌دانند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۲: ۵۰). طبرسی روایتی از امام صادق (ع) نقل کرده که امام فرموده: از این آیه برمی‌آید که هر بنده‌ای که به او نعمتی عطا شد و به قلب خود به آن نعمت اقرار و خداوند را به زبان خود، ستایش کرد، سخنش

به پایان نمی‌رسد، جز اینکه خداوند فرمان دهد که بر نعمت او افزوده شود (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۶: ۴۶۹). با توجه به آیات قرآن و روایات شکر نعمت‌هایی که خداوند به انسان عطا کرده است سبب افزایش نعمت می‌شود.

۲. خواست خداوند

چنانکه ذکر شد، خداوند رازق تمام موجودات است. بنابراین قبض و بسط روزی به دست خداست:

﴿إِنَّ رَبَّكَ يَسْطُرُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا﴾ (اسراء/۳۰)

این آیه در مقام تعلیل مطالب آیه قبل است که از افراط و تفریط در انفاق نهی می‌کرد و معنایش این است که این دأب و سنت پروردگار است که بر هر کس بخواهد گشایش دهد و برای هر که نخواهد، تنگ می‌گیرد و سنت او چنین نیست که بی حساب و بی اندازه فراخ سازد و یا به کلی قطع کند. او مصلحت بندگان را رعایت می‌کند، چراکه او به حال بندگان خود خبیر و بینا است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۳: ۱۱۴-۱۱۵).

آری قبض و بسط روزی به خواست خدا و یک آزمون برای انسان است و گرنه برای او همه چیز ممکن است. او می‌خواهد به این وسیله انسان‌ها را تربیت کند و روح سخاوت و فداکاری و از خودگذشتگی را در آن‌ها پرورش دهد. از سویی دیگر بسیاری از مردم اگر کاملاً بی‌نیاز شوند راه طغیان و سرکشی پیش می‌گیرند و صلاح آن‌ها این است که در حد معینی از روزی باشند، حدی که نه موجب فقر گردد نه طغیان (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۲: ۹۳).

در آیات متعددی به این موضوع اشاره شده؛ مانند ﴿وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الدُّنْيَا لِنَفْسِنَهُمْ فِيهِ وَرِزْقَ رَبِّكَ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ﴾ (طه/۱۳۱). خداوند انسان را از چشم دوختن به مال و ثروت مردم باز می‌دارد و به پیامبر (و همه انسان‌ها) می‌فرماید خرمی و تازگی و منظره‌های جالب و دیدنی زندگی دنیا، نباید تو را مشغول و خیره گرداند. این نعمت‌های گوناگون و جالب و خیره کننده را به ایشان داده‌ایم که آن‌ها را در معرض امتحان قرار دهیم و آنچه هستند در مورد عمل به حق و ادای حقوق، آشکار شوند. رزق

خدا که در آخرت به تو وعده داده، از این روزی‌های دنیوی که به این‌ها داده‌ایم بهتر و بادوام‌تر است (طبرسی، ج ۱۶: ۹۱).

۳. تلاش و تدبیر انسان

اگرچه فقط خداوند رزاق است و روزی انسان‌ها را تضمین کرده است اما این مغایرتی با تلاش و تدبیر برای جلب رزق ندارد و تلاش و تدبیر اختیاری انسان، به خواست خداوند در روزی وی دخیل است (دژپسند، ۱۳۹۳: ۱). یکی از عوامل قبض و بسط روزی در قرآن تلاش در جهت روزی حلال و تصمیم‌گیری و فکر درست برای بدست آوردن آن است: ﴿فَابْتَغُوا عِنْدَ اللَّهِ الرِّزْقَ﴾ (عنکبوت/۱۷). راعب در معنای ابتغاء می‌گوید: «ابتغاء به معنای کوشش و اجتهاد در طلب و خواستن است که اگر چیز نیکی و شایسته‌ای طلب شود آن خواستن و اجتهاد قابل ستایش و پسندیده است مانند آیه فوق» (راعب، ۱۳۶۹: ۱۳۷). وسعت و تنگی رزق در افراد انسان (به جز موارد استثنایی یعنی از کار افتادگان و معلولین) بستگی به میزان تلاش و کوشش آن‌ها دارد و اینکه می‌فرماید خدا روزی را برای هر کس بخواهد تنگ و یا گشاده می‌دارد، ﴿اللَّهُ يَسِطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ وَيَقْدِرُ﴾ (رعد/۲۶)، این خواستن هماهنگ با حکمت اوست و حکمتش ایجاب می‌کند که هر کس تلاشش بیش‌تر باشد سهمش زیادتر و هر کس تلاشش کم‌تر باشد محروم‌تر گردد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۲: ۹۳).

ارتباط روزی انسان با تلاش وی در جایی دیگر چنین آمده است: ﴿وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى﴾ (نجم/۳۹). خداوند در این آیه بهره انسان را در سعی و کوشش و کارش قرار می‌دهد. به همین خاطر پیامبران و امامان این همه برای روزی تلاش می‌کردند. به علاوه، تلاش و کوشش در بدست آوردن و بسط روزی معنوی نیز مؤثر است. در سوره اسرا به این موضوع اشاره شده و می‌فرماید هر کس سرای آخرت را بخواهد و با ایمان و عمل صالح برای رسیدن به آن سعی کند، پاداش آن را می‌بیند و به آن می‌رسد (اسراء/۱۹). در این مورد، نمونه‌ها و مصادیق فراوان از قرآن کریم می‌توان یافت؛ در داستان حضرت یوسف (ع)، تلاش و تدبیر بیش از یک دهه او در سرزمین مصر و سرمایه‌گذاری نسبتاً سنگین در سه مرحله: جهت جمع‌آوری و تولید، انبار و استفاده از گندم و

محصولات کشاورزی در ایام قحطی سبب بسط روزی در این کشور را می‌توان دید (هود/۳۷-۳۸). بکارگیری عوامل به منظور تولید کشتی به سرپرستی حضرت نوح (ع) که سبب نجات و نعمت حیات مؤمنان به خدا و گروهی از حیوانات شد (مؤمنون/۲۷)، سرمایه گذاری و تدبیر حضرت سلیمان (ع) در ساخت حصارها، تمثال‌ها، ظروف بزرگ غذا و دیگ‌های ثابت (سبأ/۱۲-۱۳)، سرمایه‌گذاری حضرت داود (ع) در زره‌سازی (سبأ/۱۰-۱۱)، انعقاد قرارداد بین حضرت شعیب (ع) و حضرت موسی (ع) و استفاده از خدمات او (قصص/۲۶-۲۸) سد بین دو کوه به طراحی و اجرای ذو القرنین (کهف/۹۴-۹۷) [که همگی دلالت بر تلاش و جدیت در کار است که منجر به ثمراتی از جمله افزایش نعمت می‌شود] (جمالی، ۱۳۸۶: ۴۶). با توجه به اینکه روزی به هر چیزی اطلاق می‌شود که از آن نفع می‌برند، تمام موارد بالا از مصادیق روزی است که پیامبران الهی در جهت حفظ و بهره‌برداری بیش‌تر از آن‌ها تلاش و تدبیر کرده‌اند.

۴. یاد خدا

یاد و نام خداوند از محوری‌ترین مفاهیم قرآن است. مثلاً خداوند به موسی (ع) دستور می‌دهد تا نماز را به یاد او به پا دارد، ﴿أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي﴾ (طه/۱۴)، و یاد خداوند سبب آرامش قلوب می‌شود، ﴿الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾ (رعد/۲۸)، یکی از آیاتی که انسان‌ها را تحریض می‌کند تا به یاد خدا باشد این آیه است: ﴿وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا﴾ (طه/۱۲۴): «و هر کس از یاد من دل بگرداند، در حقیقت، زندگی تنگ [و سختی] خواهد داشت، و روز رستاخیز او را نابینا محسوس می‌کنیم». مفهوم مخالف آیه این است که یاد خداوند گسترش معاش را به دنبال خواهید داشت و یکی از مصادیق آن افزایش روزی است. در روایاتی از عباس و برخی تابعین از جمله مجاهد و قتاده، معیشت ضنکا به معیشت تنگ معنا شده است (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱۶: ۱۶۳). نکته دیگر اینکه ممکن است به کسی رزق فراوان داده شود، اما معیشتش سخت شود، از این جهت که امساک کند و از آن استفاده نکند و اگر هم استفاده کرد، حرص و تلاش زیاد، زندگی را بر او دشوار می‌سازد (آل رسول و بردارد، ۱۳۹۲: ۶۶؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۷۵). پس گاهی هم تنگی معیشت به خاطر این نیست که درآمد کمی دارد چه بسا پول و درآمدش هنگفت است

ولی معیشت خوبی ندارد. /بن عباس می گوید: اگر مالی (خدا) به بنده‌ای از بندگان خود دهد، چه اندک باشد و چه بسیار و او را در آن خیری نباشد آن معیشت تنگ (ضنک) باشد (جرجانی، ۱۳۷۷: ۶/۹۹). اصولاً تنگی زندگی بیش‌تر به خاطر کمبودهای معنوی و نبودن غنای روحی است، به خاطر عدم اطمینان به آینده و ترس از نابود شدن امکانات موجود و وابستگی بیش از حد به جهان ماده و آن کس که ایمان به خدا دارد و دل به ذات او بسته از همه این نگرانی‌ها در امان است. پس یاد خدا و معنویت در زندگی مادی نقش مهمی دارد و کسی که خدا را یاد کند خدا هم او را یاد خواهد کرد. همانطور که می‌فرماید: ﴿فَاذْكُرُونِي اذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي وَلِاٰتِكُمْ فَتُكْفَرُوْنَ﴾ (بقره/۱۵۲). پس هرچه ارتباط و پیوند انسان با خدا بیش‌تر باشد این ارتباط راهگشای زندگی اوست در حالی که عکس آن سبب دلبستگی هرچه بیش‌تر به مادیات است و سرچشمه معیشت ضنک می‌باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۳۰: ۱۳/۳۲۸؛ طبرسی، ج ۱۶: ۸۳).

۵. استغفار

طلب بخشش از اعمالی که مطابق فرامین الهی نباشد، سفارش خداوند و پیامبر عظیم الشان (ص) است، به طوری که آیاتی فراوانی در قرآن به این موضوع اختصاص یافته است. طلب بخشش یا استغفار آثار فراوانی در زندگی انسان دارد. یکی از ثمرات استغفار طبق آیات قرآن بسط روزی است. خداوند می‌فرماید:

﴿اَسْتَعْفِرُوْا رَبَّكُمْ اِنَّهٗ كَانَ عَفُوًّا رَّحِيْمًاۙ كَانَ غَفَّارًا يُرْسِلُ السَّمَآءَ عَلَیْكُمْ مَدْرَارًاۙ وَّيُمِدُّكُمْ بِاَمْوَالٍ وَّبَنِيْنَ وَّيَجْعَلُ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَّيَجْعَلُ لَكُمْ اَنْهَارًا﴾ (نوح/۱۰-۱۲)

«و گفتم: از پروردگارتان آمرزش بخواهید که او همواره آمرزنده است، [تا] بر شما از آسمان باران پی در پی فرستد، و شما را به اموال و پسران، یاری کند، و برای تان باغ‌ها قرار دهد و نهرها برای شما پدید آورد»

در این آیات یک نعمت بزرگ معنوی، و پنج نعمت بزرگ مادی به استغفار کنندگان وعده داده، نعمت بزرگ معنوی بخشودگی گناهان و پاک شدن از آلودگی کفر و عصیان است، اما نعمت‌های مادی، ریزش باران مفید و به موقع و پر برکت، فزونی اموال، فزونی فرزندان (سرمایه‌های انسانی)، باغ‌های پر برکت، و نهرهای آب جاری. بنابراین استغفار،

ایمان و تقوا طبق گواهی قرآن مجید هم موجب آباد دنیا و هم آخرت است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۵: ۶۹ و ۷۰). در شأن نزول این آیات آمده است که عده‌ای شکایت‌های گوناگونی در قحطی و تهیدستی و بی‌فرزندگی نمودند. به همه آن‌ها امر شد که استغفار کنند (طبرسی، ج ۲۵: ۳۳۶). «نقل شده است که در عهد نوح چهل سال، رحم زنان ایشان عقیم شد و باران از آسمان نیامد. نوح ایشان را گفت: از خدای آمرزش خواهید و استغفار کنید تا خدای تعالی شما را باران دهد و زنان شما با حال ولادت شوند» (رازی، ج ۱۹: ۴۲۶).

در قرآن استغفار توأم با توبه را سبب گشایش رزق و روزی معرفی می‌کند. خداوند می‌فرماید:

﴿وَأَنِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُمَتِّعْكُمْ مَتَاعًا حَسَنًا إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى وَيُؤْتِ كُلَّ ذِي فَضْلٍ فَضْلَهُ...﴾ (هود/۳)

«و اینکه از پروردگارتان آمرزش بخواهید، سپس به درگاه او توبه کنید، [تا اینکه] شما را با بهره‌مندی نیکویی تا زمانی معین بهره‌مند سازد، و به هر شایسته نعمتی از کرم خود عطا کند...»

در این آیه خداوند دستور به طلب آمرزش و بازگشت به سوی او داده است و نتیجه این کار را بهره‌مندی نیکوی انسان از زندگی دنیا و توانا ساختن فرد در استفاده از فضیلت‌هایش، بیان می‌کند که عدم اطاعت از این فرمان موجب عذاب روز قیامت است. آیه ۵۲ سوره هود استغفار را موجب بارش باران پی در پی و افزایش نیرو عنوان می‌کند و آیه ۶۱ این سوره نتیجه استغفار را پاسخ پروردگار بیان می‌کند.

۶. صدقه و انفاق

صدقه دادن وسیله مهمی برای کسب روزی و زمینه ساز رسیدن به آن است، زیرا انفاقی که در راه خدا باشد هرگز گم نمی‌گردد، بلکه خداوند جایگزین کننده و پرکننده آن است و یا در دنیا به واسطه افزایش نعمت‌ها و یا در آخرت به ثوابی که به واسطه آن ذخیره کرده عوض می‌دهد (پورطولمی، ۱۳۸۹: ۴۹). خداوند می‌فرماید:

﴿وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ﴾ (سبأ/۳۹)

در تفسیر این آیه آمده است که: آنچه که از مالتان دادید و آنچه از اموالتان در راه خیر خارج کردید، پس خدای سبحان به شما عوض آن را می‌دهد، در دنیا به زیادتی نعمت و یا در آخرت به ثواب بهشت و اوست بهترین روزی دهندگان برای آنکه او منافع بندگانش را می‌دهد (طبرسی، ج ۲۷۹: ۲۰؛ ر.ک: رازی، ج ۱۶: ۷۹). بنابراین آنچه را که انسان انفاق می‌کند، خدا عوضش را می‌دهد و جای آن را برای او پر می‌کند، یا در این دنیا به وسیله زیاد کردن نعمت‌ها و یا در آخرت با ثوابی که پیش از آن‌ها برای وی ذخیره شده است.

عوامل قبض روزی در قرآن

پیش‌تر اشاره کردیم که بیش‌تر عوامل قبض روزی در مقابل عوامل بسط روزی قرار دارد. از این رو همانطور که شکر نعمت افزایش نعمت را به دنبال داشت، کفران نعمت نیز علاوه بر اینکه سبب عذاب الهی می‌شود، می‌تواند سبب قبض روزی شود و ممکن است علی‌رغم وفور نعمت معیشت ضنک را همراه داشته باشد. راعب کفر را به معنای پوشاندن شیء دانسته، و کفران نعمت را پوشاندن نعمت با ترک شکر کردن می‌داند (راغب اصفهانی، مفردات: ۴۵۱). از دیگر عوامل تنگی رزق در قرآن گناه است که در مقابل تقوا قرار دارد. گناه و نافرمانی خدا و تغییر رفتار مخلوق موجب تغییر نعمات الهی می‌شود و آن را به کاستی می‌کشاند. خداوند می‌فرماید: ﴿وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ﴾ (شوری/ ۳۰)، مرحوم طبرسی می‌گوید: «یعنی مصیبت‌هایی که به شما می‌رسند، نتیجه کردار شماست و «فَمِنْ نَفْسِكَ» یعنی «فبذنبک» (به گناه توست)» (طبرسی، ج ۵: ۲۵۲). مصیبت در این آیه مصادیق فراوانی دارد که شرایط سخت زندگی و تنگی معاش یکی از آن‌هاست، که نتیجه برخی گناهان یا اعمال نادرست انسان است.

خداوند در جای دیگر می‌فرماید: ﴿ظَهَرَ الْفُسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾ (روم/ ۴۱) یعنی خداوند متعال گاهی در کار بدکاران و گنهکاران گرهی می‌افکند تا شاید به خود آیند و به صراط مستقیم برگردند (طبرسی، مکارم الأخلاق: ۴۶۰). در «المیزان» درباره این آیه آمده است: «مظالم و گناهانی که مردم مرتکب می‌شوند باعث فساد در بر و بحر عالم است، فسادی که یا مانند وقوع جنگ

و بسته شدن راه‌ها و سلب امنیت دامنگیر خصوص انسان می‌شود و یا مانند اختلال اوضاع جوی و زمینی، زندگی و معاش انسان و غیر انسان را مختل می‌سازد» (طباطبایی، ج ۸: ۲۴۸). بر این اساس، گناهان و اعمال بد انسان می‌تواند سبب قبض روزی وی گردد.

رزق و روزی در عهدین

رزق و روزی در عهدین نیز به دو دسته مادی و معنوی تقسیم می‌شود. رزق مادی شامل نان، آب، روغن، ثمرات زمین، فرزندان، بزرگان مملکت و... می‌شود، و رزق معنوی مانند رحمت ابدی خداوند. روزی دهنده همه مخلوقات و انسان‌ها خداوند است و باید نصیب خود را به او سپرد. روزی معنوی مانند: «روزی مهم‌تر از ثروت یا فقر است و به جای طلب این دو باید از خداوند روزی را طلب نمود» (امثال سلیمان، ۳۰: ۸). در این عبارت بی شک منظور روزی مادی نیست زیرا روزی را از ثروت مهم‌تر دانسته است، پس باید چیزی فراتر از مادیات باشد. روزی مادی مانند «او حیوانات را آذوقه می‌دهد و زاغچه‌ها را وقتی روزی می‌خواهند، تغذیه می‌کند» (مزامیر، ۱۴۷: ۹). همچنین در عهد جدید در رابطه با رزق مادی از بارش باران بر گیاهان کشاورزان سخن به میان آمده است و اینکه خداوند متعال به رزق آن‌ها برکت می‌دهد (عبرانیان، ۶: ۷) و در رابطه با رزق معنوی بیان نموده است: «هر آینه من تو را برکت عظیمی خواهم داد و تو را بی‌نهایت کثیر خواهم گردانید» (عبرانیان، ۶: ۱۴).

عوامل بسط روزی در عهدین

در عهدین، عوامل مختلفی را مسبب بسط روزی معرفی کرده است، که می‌توان به اطاعت از فرامین خداوند، رعایت عدالت، ترس از خدا، پرهیز از دروغ‌گویی و... اشاره کرد. همچنین به تأثیر تلاش و نفی تأثیر تفکر بیش از اندازه و غصه خوردن برای دنیا بر بسط روزی تلویحاً اشاره شده است.

۱. اطاعت از خداوند

یکی از دستورات اساسی ادیان الهی اطاعت از خداوند است که برکات و آثار آن برای انسان بسیار زیاد خواهد بود. چنانکه در عوامل بسط روزی در قرآن در تبیین تقوا ذکر

شد. شبیه به این را در تثنیه نیز می‌خوانیم: «اگر از خداوند، خدای‌تان اطاعت کنید و اوامر او را که امروز به شما می‌دهم از دل و جان به جا آورید، خداوند، خدای‌تان شما را از همه اقوام روی زمین برتر می‌سازد و تمام این برکات را نصیبتان می‌کند. در شهر و مزرعه به شما برکت می‌دهد، محصولات فراوان، فرزندان زیاد و گله و رمه زیاد به شما می‌بخشد. غله و رزق شما را زیاد می‌سازد» (تثنیه، ۲۸: ۵ تا ۵). به بیان دیگر، اطاعت از خداوند یکی از عوامل بسط روزی در عهدین است که باعث برتری مردم مطیع بر سایر انسان‌ها می‌گردد.

در بخش‌های گوناگون عهدین از جمله در عهد عتیق به اثر اطاعت از خداوند در روزی اشاره شده است. برای نمونه، دوست داشتن خداوند، در طریق او گام برداشتن و احکام او را به پا داشتن باعث افزایش روزی می‌شود و عدم اطاعت موجب هلاکت می‌گردد (ر.ک: تثنیه، ۳۰: ۱۶ تا ۱۸). به علاوه، کسی که بر خدا توکل کند و خدا را در زندگی یاد کند و از نافرمانی خدا بترسد و پارسایی کند و درستکار و عادل باشد خداوند به او برکت می‌دهد (مزامیر، ۱۱۵: ۱۱ تا ۱۳؛ مزامیر، ۵: ۱۲).

برخی امور مانند دادن اول هر چیزی از جمله خمیر نان به کاهنان و همچنین هدایایی که مردم به سبب گناه و جرم به کاهنان می‌دادند سبب برکت شمرده شده است (حزقیال، ۴۴: ۳۰). دادن عشر اموال که قسمتی از اموال می‌باشد و یهودیان موظفاند آن را به یهوه بدهند و این سبب برکت در کارشان شمرده است (ملاکی، ۳: ۱۰). همانطور که در قرآن بحث خمس در آیه ۴۱ سوره انفال مطرح شده است و می‌فرماید: ﴿وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ...﴾ (انفال/۴۱). از جمله اموری که خداوند در عهد عتیق به آن دستور داده و موجب برکت است، نکوهش مجرمان از کارهای بد (امثال، ۲۴: ۲۵). در قرآن کریم هم از این کار با عنوان امر به معروف و نهی از منکر بارها سخن به میان آمده است، مثل: ﴿وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ...﴾ (توبه/۷۱) که این عمل مایه برکت و رحمت الهی شمرده شده است. در فصل یازدهم تثنیه می‌فرماید: «اما برکت، اگر اوامر یهوه خدای خود را که من امروز به شما امر می‌فرمایم، اطاعت نمایید» (تثنیه، ۱۱: ۲۷)، یعنی اطاعت از اوامر الهی سبب برکت شمرده شده است. در

عهد جدید نیز ایمان بدون عمل را مجاز نمی‌شمرد و ایمان واقعی را در اصل ایمانی می‌داند که همراه اطاعت از خداوند متعال باشد و به دستورات خدا عمل شود از جمله اینکه به دیگران کمک کنیم (یعقوب، ۲: ۱۴ تا ۲۶) و در آیه ۱۴ می‌فرماید: «ای برادران من، چه سود دارد اگر کسی گوید، ایمان دارم، وقتی که عمل ندارد؟ آیا ایمان می‌تواند او را نجات بخشد؟» (یعقوب، ۲: ۱۴). مطالب فوق نشان می‌دهد که هم در قرآن و هم در عهدین اطاعت از دستورات الهی موجب توسعه در رزق و روزی می‌شود.

۲. پیامبران الهی

در عهدین، پیامبران مختلفی را می‌توان یافت که مایه «برکت» و به عبارت دیگر بسط روزی شمرده شده‌اند. از جمله در عهد عتیق در این باره بیان شده است: «و خدا، نوح و پسرانش را برکت داده، بدیشان گفت: بارور و کثیر شوید و زمین را پر سازید» (پیدایش، ۹: ۱) و «به خاطر این برکت و لطف خداوند، خوف و هیبت آن‌ها بر همه حیوانات زمین و بر همه پرندگان آسمان، و بر هر چه بر زمین می‌خزد، و بر همه ماهیان دریا خواهد بود؛ به دست ایشان تسلیم شده‌اند» (پیدایش، ۹: ۲).

در آیاتی از عهدین، وجود پیامبران مایه برکت شمرده است که به خاطر این برکت، نسل عظیمی از ایشان پدید می‌آید و خداوند به کسانی که به پیامبر خدا احترام بگذارند برکت می‌دهد و کسانی که نسبت به پیامبر خدا بی‌احترامی کنند و گستاخ باشند مورد لعنت خداوند قرار می‌گیرند (پیدایش، ۱۲: ۳، ۲) و پادشاهان امت‌ها در نسل پیامبران قرار داده شده‌است (پیدایش، ۱۷: ۱۶). همچنین خداوند در این آیات، وجود فرزند را مایه برکت می‌داند همانطور که خداوند در قرآن می‌فرماید:

﴿وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطْأً كَبِيرًا﴾

(اسراء/۳۱)

«و اما در خصوص اسماعیل، تو را اجابت فرمودم. اینک او را برکت داده، بارور گردانم، و او را بسیار کثیر گردانم. دوازده رئیس از وی پدید آیند، و امتی عظیم از وی به وجود آورم» (پیدایش، ۱۷: ۲۰).

نمود این برکت را در کثرت اموال (پیدایش، ۲۲: ۱۸؛ پیدایش، ۲۶: ۳) و نسل پیامبران (پیدایش، ۹: ۱؛ پیدایش، ۲۶: ۴-۲۴) و بزرگانی که از این نسل به وجود خواهد آمد (پیدایش، ۱۷: ۲۰) و سودی که به مردم و امت‌ها خواهند رساند (پیدایش، ۱۸: ۱۸) در جاهای مختلف عهد عتیق آمده است. اگرچه در اینجا پیامبران خود مایه برکت هستند ولی دلیل این برکات نیز اطاعت خداوند است (پیدایش، ۲۲: ۱۸). در عهدین افراد درستکار و راستگو مایه برکت هستند و باعث سربلندی شهر می‌شوند (امثال سلیمان، ۱۱: ۱۱).

در عهد جدید نیز وجود پیامبران مایه برکت شمرده شده است، مانند: «برای شما اولاً خدا بنده خود عیسی را برخیزانیده، او را فرستاد تا شما را برکت دهد تا هر کدام از شما از گناهانش برگردد» (اعمال رسولان، ۳: ۲۶). در غلاطیان نیز اینچنین آمده است: «تا برکت ابراهیم در مسیح عیسی بر امت‌ها آید و تا وعده روح را به وسیله ایمان حاصل کنیم» (غلاطیان، ۳: ۱۴). در قرآن کریم نیز آمده است:

﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾ (اعراف/ ۹۶)

در اینجا بیان می‌شود کسانی که پیامبران را تکذیب کردند مورد عذاب واقع شدند. پس وجود پیامبران موجب برکت بوده است. همچنین خداوند در قرآن کریم حضرت نوح، حضرت ابراهیم و خاندانش، حضرت موسی، حضرت عیسی و حضرت یعقوب را بهره‌مند از برکت الهی دانسته و پیامبر اعظم را دارای کوثر به معنای خیر کثیر می‌داند و می‌فرماید: ﴿إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ﴾ غالب مفسران، کوثر را به معنای خیر فراوان دانسته‌اند که برکت حضرت زهر/ (س) مصداق خیر فراوان است (طوسی، ج ۱۰: ۴۱۷). در این باره روایاتی فراوانی در منابع شیعی نقل شده است، مثلاً در «اصول کافی» در روایتی/ امام صادق (ع) می‌فرماید: «از برکت وجود ما درختان بارور گردند و میوه‌ها برسند و از برکت ما باران از آسمان بیارد و گیاه از زمین بروید» (کلینی، ج ۱: ۲۸۹). همچنین حضرت رسول (ص) فرموده است: «من رحمتی هستم که از جانب خدا هدیه شده‌ام» (محمدباقر مجلسی، ج ۱۶: ۳۰۶).

۳. عبادت خداوند

عامل دیگری که در عهدین موجب بسط روزی است، عبادت و فرمانبرداری از دستورات خداوند است، مانند: «و یهوه، خدای خود را عبادت نمایند تا نان و آب تو را برکت دهد و بیماری را از میان تو دور خواهم کرد» (خروج، ۲۳: ۲۵؛ ر.ک: خروج، ۳۹: ۴۳؛ ر.ک: تثنیه، ۱۱: ۲۷). همانطور که در قرآن در آیه ۲۱ و ۲۲ سوره بقره درباره عبادت خداوند و برکاتی که خداوند فرستاده است سخن به میان آمده است. همچنین، دعا کردن که از مصادیق عبادت است، در کتاب مقدس سبب برکت شمرده شده است، مانند: «و یعیص از خدای اسرائیل استدعا نموده، گفت: «کاش که مرا برکت می‌دادی و حدود مرا وسیع می‌گردانیدی و دست تو با من می‌بود و مرا از بلا نگاه می‌داشتی تا محزون نشوم» و خدا آنچه را که خواست به او بخشید» (اول تواریخ، ۴: ۱۰).

آیاتی از قرآن کریم نیز به همین مطلب اشاره دارند، مانند:

﴿وقال ربکم ادعونی استجب لکم ان الذین یتکبرون عن عبادتی سیدخلون جهنم

داخرین﴾ (غافر/ ۶۰)

در سخنان گوهر بار ائمه نیز به این موضوع پرداخته شده است، به طوری که امام علی (ع) می‌فرماید: «الدعا مفتاح الرحمة و مصباح الظلمة» یعنی دعا کلید رحمت خداوند و چراغ روشنی برای تاریکی‌های دنیا و آخرت است (بحار الانوار، ج ۹۰: ۳۰).

۴. کمک مالی به دیگران

کمک به دیگران از دستورات تمام ادیان الهی بوده و بسیار مورد توجه می‌باشد. کمک مالی در قرآن تحت عناوینی همچون انفاق، صدقه و قرض الحسنه آمده، و در مواردی واجب و حتی حق فرد نیازمند شمرده شده است که شخص توانمند موظف است این حق را ادا کند که برکات بسیاری برای عامل آن دارد. در عهد عتیق یکی از عوامل بسط روزی کمک به نیازمندان و قرض دادن به دیگران است، مانند «از برادرانت بعد از هفت سال قرضت را طلب نکن ولی از دیگران می‌توانی طلب کنی تا بر آنها تسلط یابی» (تثنیه، ۱۵: ۱-۱۱؛ ر.ک: تثنیه، ۲۴: ۱۹). در این عبارت برادرانت کنایه از یهودیان است. در عهد جدید نیز این موضوع وجود دارد، مانند: «پس اگر برادری یا خواهری برهنه و

محتاج خوراک روزینه باشد و کسی از شما بدیشان گوید، به سلامتی بروید و گرم و سیر شوید، لیکن مایحتاج بدن را بدیشان ندهد، چه نفع دارد؟» (یعقوب، ۲: ۱۶، ۱۵). در واقع در اینجا بیان می‌کند کمک به دیگران برای انسان منفعت دارد و مایه برکت می‌باشد. در فصل پنجم متی بیان شده است: «هر کس از تو سؤال کند، بدو ببخش و از کسی که قرض از تو خواهد، روی خود را مگردان» (متی، ۵: ۴۲).

در قرآن نیز آیات فراوانی به قرض توصیه کرده است، مانند: ﴿من ذالذی یقرض الله قرضاً حسناً فیضعفه له اضعافاً کثیرة والله یقبض ویسط و الیه ترجعون﴾ (بقره/ ۲۴۵) و یا آیه ﴿مثل الذین ینفقون اموالهم فی سبیل الله کمثل حبة انبتت سبع سنابل فی کل سنبله مائة حبة والله یضاعف لمن یشاء والله واسع علیم﴾ (بقره/ ۲۶۱) که درباره انفاق و تشویق به انفاق است. مصادیق فراوانی در این باره در افزایش برکت در عهد عتیق ذکر شده است، از جمله: «آزاد کردن برده‌ای که ۶ سال به ارباب خود خدمت کرده است همراه با دادن زاد و توشه به او سبب برکت روزی می‌شود» (تثنیه، ۱۵: ۱۲-۱۵). همچنین قرض دادن بدون سود به برادر خود (که به نظر می‌رسد کنایه از یهودیان باشد) موجب برکت است (تثنیه، ۲۳: ۱۹-۲۰). در قرآن نیز آیاتی در رابطه با تحریم بهره و ربا داریم از جمله آیات ۲۷۵ تا ۲۸۰ سوره بقره که گرفتن ربا را اعلام جنگ با خدا و رسولش دانسته و فرموده که خدا ربا را نابود می‌کند و صدقات را افزایش می‌دهد.

۵. برخی ویژگی‌های والای اخلاقی

در عهدین برخی از ویژگی‌های والای اخلاقی باعث برکت و بسط روزی در زندگی معرفی شده است. رعایت عدالت و پای‌بند بودن به آن از جمله فضیلت اخلاقی است که در عهدین به آن سفارش شده و موجب برکت می‌شود، کتاب‌های مزامیر و امثال سلیمان مفصل به این موضوع پرداخته‌اند، مانند: «زیرا تو ای خداوند مرد عادل را برکت خواهی داد، او را به رضامندی مثل سپر احاطه خواهی نمود» (مزامیر، ۵: ۱۲)، یا در امثال اینگونه بیان شده است: «لعنت خداوند بر خانه شریران است. اما مسکن عادلان را برکت می‌دهد» (امثال، ۳: ۳۳). در فصول بعدی امثال سلیمان نیز مجدد تأکید شده که: «بر سر عادلان برکت‌ها است، اما ظلم دهان شریران را می‌پوشاند. یادگار عادلان مبارک است، اما

اسم شیرین خواهد گنیدید» (امثال، ۱۰: ۶-۷). در عهد جدید نیز سخن از عدالت به میان آمده و شخص عادل را مستوجب پاداش ملکوت آسمان می‌داند که این پاداش از نوع رزق معنوی است، مانند: «خوشا به حال زحمتکشان برای عدالت، زیرا ملکوت آسمان از آن ایشان است» (متی، ۵: ۱۰). در کنار عدالت، رعایت امانت نیز رزق و برکت را توسعه می‌دهد، «مرد امین برکت بسیار خواهد یافت، اما آنکه در پی دولت می‌شتابد بی سزا نخواهد ماند» (امثال، ۲۸: ۲۰)، قرآن نیز توصیه به رعایت امانات کرده، خداوند می‌فرماید:

﴿وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ ۝ وَالَّذِينَ هُمْ بِشَهَادَاتِهِمْ قَائِمُونَ ۝ وَالَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ﴾ (معارج/۳۴، ۳۲، ۳۳)

پاداش کسانی که رعایت امانت می‌کنند و برای ادای شهادت حق، قیام می‌کنند و بر نماز محافظت دارند را در آیه بعد اینگونه بیان می‌کند:

﴿أُولَٰئِكَ فِي جَنَّاتٍ مُّكْرَمُونَ﴾ (معارج/۳۵)

صاحب «تفسیر نمونه» می‌گوید: «در حقیقت این دو تعبیر «جنات» و «مکرمون» اشاره به نعمت‌های مادی و معنوی است که شامل حال این گروه است» (مکارم، ۱۳۷۴ ش، ج ۲۵: ۴۰).

۶. اراده و خواست فردی

برخی از عبارات عهدین ناظر به نقش اراده و خواست انسان در بسط رزق و برکت است، مثلاً این عبارت مزامیر اشاره به این موضوع دارد: «چون که لعنت را دوست می‌داشت، بدو رسیده و چون که برکت را نمی‌خواست، از او دور شده است» (مزامیر، ۱۰۹: ۱۷). این عبارت تصریح دارد که عدم تمایل شخص موجب حرمان برکت است. قرآن نیز می‌فرماید:

﴿وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَىٰ وَأَنَّ سَعْيَهُ سَوْفَ يُرَىٰ ثُمَّ يُجْزَاهُ الْجَزَاءَ الْأَوْفَىٰ﴾ (نجم/۳۹-)

(۴۱)

بنا بر این آیه و مطالبی که پیش‌تر گفتیم، اگر انسان برای رسیدن به چیزی تلاش کند، حکمت خداوند اقتضای نیل به آن دارد، مگر صلاح شخص در آن نباشد که در این صورت نیز حکمت الهی اقتضای عطای عوضی دارد که قرین خیر و صلاح باشد.

۷. عوامل قیض روزی در عهدین

در عهدین عوامل قیض روزی، غالباً در مقابل عوامل بسط روزی است. در جای جای عهدین به این موضوع پرداخته شده است؛ اما در کتاب اشعیا برخی از این‌ها به ردیف آورده شده است، «خداوند، خدای قادر مطلق به زودی همه چیز و همه کسانی را که مردم یهودا و اورشلیم به آن‌ها متکی بودند، از آن‌ها می‌گیرد و قحطی نان و آب را در آن سرزمین می‌آورد. همه جنگجویان، سپاهیان، داوران، انبیاء، فالگیران، موسفیدان، سران نظامی، اعیان، مشاورین، صنعتگران ماهر و جادوگران حاذق از بین می‌روند. خداوند جوانان نابالغ و کودکان را به عنوان حکمران برای آن‌ها می‌گمارد. مردم یکی بر دیگری ظلم می‌نمایند و از همسایه خود آزار می‌بینند. جوانان به موسفیدان احترام نمی‌کنند و مردمان پست علیه اشخاص شریف بر می‌خیزند. زمانی می‌رسد که اعضای یک خاندان یک نفر را از بین خود انتخاب کرده می‌گویند: «تو اقلأ چیزی برای پوشیدن داری، پس بیا و در این دوران مصیبت رهبر ما باش اما او جواب می‌دهد: «من نمی‌خواهم رهبر شما شوم، زیرا من در خانه خود نه خوراک دارم و نه پوشاک، مرا رهبر خود نسازید» بلی، اورشلیم خراب می‌شود و یهودا سقوط می‌کند، زیرا کلام و عمل آن‌ها ضد خداوند بوده به حضور خود خدا اهانت می‌کنند» (اشعیا، ۳: ۱-۸). چنانکه مشهور است کتاب اشعیا نبی از کتاب‌هایی است که در آن پیشگویی‌هایی شده است و بسیاری از آنان در اعصار مختلف محقق گردیده است، در عبارات فوق نیز پیشگویی می‌کند که اگر از فرامین الهی سرپیچی کنید گرفتار این مصیبت‌ها می‌شود که از همه مهم‌تر قحطی است که مصداق بارز قلت و ضیق رزق و روزی است.

در کتاب ارمیا نیز می‌خوانیم: «گندم کاشتند و خار درویدند، خویشان را به رنج آورده، نفع نبردند و از محصول شما به سبب حدت خشم خداوند خجل گردیدند» (ارمیا، ۱۲: ۱۳). در این عبارت، خشم خداوند سبب قیض روزی معرفی شده است و علت آن نیز گستاخی در برابر خداوند است. شدیدتر از مطالب فوق در رابطه با نافرمانی از فرامین الهی که تبعات بزرگی از جمله تنگی معیشت را به دنبال دارد در تثنیه آمده است که نتیجه سرپیچی کردن از دستورات خداوند را ملعون بودن شهر، میوه زمین، بچه‌های گاو و بره‌های گله... و همچنین باران گرد و غبار... و از بین رفتن محصولات کشاورزی... بیان

شده است (تثنیه، ۲۸: ۱۵-۴۴). علاوه بر مطالب فوق در عهد عتیق، شرارت و ظلم، باعث از دست دادن برکت است، برای مثال در فصل سوم آمده است: «از برکت راستان، شهر مرتفع می‌شود، اما از دهان شیریان منهدم می‌گردد» (امثال، ۱۱: ۱۱). یکی از کارهای ناپسند که موجب خشم خداوند می‌شود احتکار است، در عهد عتیق این کار مورد مذمت واقع گردیده و لعنت خدا را در پی دارد؛ اما غیر محکومین مشمول برکت و افزایش نعمت، «هر که غله را نگاه دارد مردم او را لعنت خواهند کرد، اما بر سر فروشنده آن برکت خواهد بود» (امثال، ۱۱: ۲۶). آنچه در عهدین بیش‌تر از هر چیز دیگری در تنگی معیشت و برکت معنوی تأثیر دارد نافرمانی از دستورات خداوند است. به نظر می‌رسد تمامی عوامل مؤثر در قبض و بسط روزی که در تقسیم‌بندی‌های فوق از قرآن و عهدین آورده شد به یک چیز ختم می‌شوند و آن اطاعت یا سرپیچی از دستورات الهی است.

نتیجه بحث

رزق در قرآن و عهدین معنای وسیعی دارد. در قرآن کلمه رزق شامل عطای مادی و اخروی است و در مورد انواع نعمت‌های مادی و معنوی بهشتی نیز به کار می‌رود. در حالی که در عهدین بیش‌تر به انواع عطای مادی اشاره دارد. در قرآن رازق اصلی خداوند است و دیگران واسطه هستند و خداوند بهترین روزی دهندگان است. در عهدین به نقش واسطه‌ها اشاره نشده یا کمرنگ است. ولی به رزاقیت خداوند تأکید شده است. در قرآن و عهدین روزی مهم‌تر از ثروت یا فقر است و باید از خداوند طلب روزی نمود؛ زیرا ممکن است ثروت به انکار خداوند بینجامد و فقر به دزدی و بی‌حرمتی خداوند منجر شود. رزقی که پروردگار به انسان عطا می‌کند بهتر و پایدارتر است. عوامل بسط روزی در قرآن و عهدین تقریباً مشترک‌اند. تقوا، اطاعت از خداوند، ترس از خدا، شکر و سپاسگزاری نعمت‌های الهی، عبادت و یاد خدا، تلاش و تدبیر انسان، خواست خداوند و مصلحت افراد، صدقه، انفاق و قرض الحسنه، پیامبران الهی، از این عوامل است. عوامل قبض روزی در قرآن و عهدین عمدتاً نقطه مقابل عوامل بسط روزی هستند.

گناه و نافرمانی خدا، اعمال بد انسان، کفران نعمت، دوری از یاد خدا، خواست خدا بر اساس مصلحت افراد، شرارت و ظلم از عوامل قبض روزی در قرآن و عهدین است.



کتابنامه

قرآن کریم.

- ابوالفتح رازی، حسین بن علی. ۱۴۰۸ق، **روض الجنان وروح الجنان فی تفسیر القرآن**، ۲۰جلد، چ ۱، مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- اشکوری، محمد بن علی. ۱۳۷۳ش، **تفسیر شریف لاهیجی**، ۴جلد، تهران: دفتر نشر داد.
- انیس، ابراهیم و دیگران. ۱۳۹۴ش، **المعجم الوسیط**، ترجمه محمد بندرریگی، چ ۵، تهران: انتشارات اسلامی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. ۱۳۶۹ش، **ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن با تفسیر لغوی و ادبی قرآن**، ۴جلد، چ ۱، تهران: مرتضوی.
- سلطان علی‌شاه، سلطان محمد بن حیدر. ۱۳۷۲ش، **متن و ترجمه فارسی تفسیر شریف بیان السعادة فی مقامات العبادة**، ۱۴جلد، چ ۱، تهران: سر الاسرار.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی‌بکر. ۱۳۸۰ش، **ترجمه الاتقان فی علوم القرآن**، ۲جلد، چ ۳، تهران: امیرکبیر.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی‌بکر. ۱۴۰۴ق، **الدّر المنثور فی التفسیر بالمأثور**، قم: نشر کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی(ره).
- طباطبایی، محمدحسین. ۱۳۷۴ش، **ترجمه تفسیر المیزان**، ۲۰جلد، چ ۵، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن. ۱۳۷۵ش، **ترجمه تفسیر جوامع الجامع**، ۶جلد، چ ۱، مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن. **ترجمه تفسیر مجمع البیان**، ۲۷جلد، چ ۱، تهران: فراهانی.
- طبری، محمد بن جریر. ۱۳۵۶ش، **ترجمه تفسیر طبری**، ۷جلد، چ ۲، تهران: توس.
- طیب، عبدالحسین. ۱۳۶۹ش، **اطیب البیان فی تفسیر القرآن**، ۱۴جلد، چ ۲، تهران: اسلام.
- قرشی بنابی، علی‌اکبر. ۱۳۷۱ش، **قاموس قرآن**، ۷جلد، چ ۶، تهران: دار الکتب الإسلامية.
- قرشی بنابی، علی‌اکبر. ۱۳۷۵ش، **تفسیر احسن الحدیث**، ۱۲جلد، چ ۲، تهران: بنیاد بعثت، مرکز چاپ و نشر.
- کلینی، محمد بن یعقوب. ۱۴۰۷ق، **الکافی**، چ ۴، تهران: دار الکتب الإسلامية.
- ماسون، دنیز. ۱۳۸۵ش، **قرآن و کتاب مقدس، درنمایه‌های مشترک**، ترجمه فاطمه سادات تهامی، چ ۱، تهران: دفتر پژوهش و نشر سهرودی.
- مرکز فرهنگ و معارف قرآن. ۱۳۸۲ش، **دایرة المعارف قرآن کریم**، ۱۰جلد، چ ۳، قم: بوستان کتاب.

مصباح یزدی، محمد تقی. ۱۳۸۴ش، **مشکات پند جاوید(۲)**، تحقیق و نگارش: علی زینتی، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
مغنیه، محمدجواد. ۱۳۷۸ش، **ترجمه تفسیر کاشف**، ترجمه موسی دانش، ۸جلد، چ ۱، قم: بوستان کتاب.
مکارم شیرازی، ناصر. ۱۳۷۱ش، **تفسیر نمونه**، ۲۸جلد، چ ۱۰، تهران: دار الکتب الإسلامية.

مقالات و پایان نامه‌ها

آل رسول، سوسن و بردابرد، پروین. ۱۳۹۲ش، «**توسعه و قبض رزق و روزی از منظر قرآن کریم**»، فصلنامه قرآنی کوثر، سال ۱۳، شماره ۴۷، صص ۵۹-۷۲.
پورطولمی، منیر. ۱۳۸۹ش، «**رحمت الهی و رزق بندگان در هستی شناسی قرآن**»، مطالعات قرآنی، شماره ۲۴، صص ۳۷-۵۶.
جمالی، قربان. ۱۳۸۶ش، «**تدبیر معیشت از دیدگاه اسلام(۱)**»، مربیان، سال هفتم، شماره ۲۳، صص ۳۸-۵۴.
دژپسند بنه ساعت بک، عاطفه. ۱۳۹۳ش، «**بررسی اهمیت رزق و روزی و مسائل معیشتی از دیدگاه قرآن و احادیث**»، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی - دانشکده ادبیات و علوم انسانی، استاد راهنما: زهرا کاشانیها، استاد مشاور: علی اکبر شایسته نژاد.

Bibliography

Holy Quran

- Al Rasoul, Susan and Bordabord, Parvin, 1392, Expansion and Constriction of Aliment from Holy Quran's viewpoint, quranic quarterly of Kowsar, 13th. Year, no.47, p.59-72.
Abu al-fitooH Razi, Hussein ibn Ali, 1408, Rawz al-Janan and Rooh al-Janan on the interpretation of Qur'an, 20 volumes, Astan Quds Razavi, Islamic research foundation, Mashhad, 1st edition.
Oshkuri, Muhammad ibn Ali, 1373, the noble interpretation of Lahiji, 4 volumes, publication office of Dad, Tehran, 1st edition.
Anis, ebrahim and Muntasir, Abd Al-Halim and Al-savalihi, Atiya and Khlaf Ahmad, Muhammad, 1394, Intermediate Dictionary, translated by Muhammad Bandar Rigi, Islamic publications, Tehran, 5th. Edition.
Purtolami, monir, 1389, Divine mercy and servants aliment in the ontology of the Quran, quranic studies, no.204, p.37-56.
Jorjani, Hussain ibn hassan, 1377, publication of Tehran university, Tehran.
Jamali, ghorban, 1386, Islam's livelihood tact1, journal of morabian, 7th. Year, no.23, p.38-54.

- Dejpasand bane saat bak, Atefe, 1393, studying the Importance of aliment and Living Issues from the Viewpoints of the Quran and Hadiths, master thesis of tarbiat dahir shahid rajaei university, Faculty of Literature and Humanities, guide Master: Zahra kashaniha, Master consultant: aliakbar shayestenejad.
- Ragheb esfahani, Hussein ibn Muhammad, 1369, translation and research of vocabulary of quran words with Literal and literary interpretation of qurn ,4 volumes, Mortazavi, Tehran, 1st edition..
- Sultan ali shah, sultan Muhammad ibn heydar, 1372, Persian Text and Translation of the noble interpretation of Biyan al-Saada fi Maqamat al-Ebada, 14 volumes, Ser al-Asrar, Tehran, 1st edition.
- Suyuti, Abdul Rahman bin Abi Bakr, 1404, al-Dur al-Manthur fi al-tafsir be al-masur, qom, Publication of Ayatollah Marashi Najafi Library, 1st edition.
- Suyuti, Abdul Rahman bin Abi Bakr, 1380, translation of al-itghan in the quranic sciences, 2 volumes, amir kabir, Tehran, 3th. Edition.
- Tabatabai, Mohammad Hussein. 1374, Translation of Al-Mizan Interpretation. 20 volumes, Qom Seminary Teachers' Association, Islamic Publishing Office, qom, 5th edition.
- Tabaresy, Fazl ibn Hasan. 1375 , Translation of javami al-jami Interpretation., 6 volumes, Astan Quds Razavi, Foundation for Islamic Studies, Mashhad, 1st. edition.
- Tabaresy, Fazl ibn Hasan. 1375 , Translation of majma Al-Bayan Interpretation, 27 volumes, farahani, Tehran, , 1st. edition.
- Tabari, Mohammad bin Jarir, 1356, Translation of Tabari Interpretation, 7volumes, toos, Tehran, 2nd. Edition.
- Tayeb, Abdul Hussein,1369, Atiab al-bayan in the interpretation of the Qur'an, 14 volumes, islam, Tehran, 2nd. Edition.
- Ghorashi banabi, ali akbar, 1371, ghamoos quran, 7 volumes, dar al-kotob al-islamic, Tehran, 6th. Edition.
- Ghorashi banabi, ali akbar, 1375, interpretation of ahsan al-hadith, 12 volumes, besat association, Publishing Center, iran-tehran, 2nd. Edition.
- Koleyni, Mohammad Bin Yaghoub, 1407, alkafi, Tehran, dar al-kotob al-eslamie, 4th. Edition.
- Mason, Denise,1385, quran and the Bible Common themes, translated by fateme sadat tahami, Tehran, research and publication office of sohrevardi, 1st. edition, volume 1.
- Quran Culture and Education Center, 1382, Encyclopedia of the Holy Quran, 10 volumes, bustan ketab qom (Publications of the Islamic Propaganda Office of Qom Seminary), qom, 3th. Edition.
- Mesbah yazdi, mohammad taghi, 1384, Immortals advice meshkat (2), research and writing: ali zinati, Educational and Research Institute Publishing Center of imam Khomeini, armaghan basir, qom.
- Mughni, Mohammad Javad,1378, translation of kashef interpretation, 8 volumes, translated by moosa danesh, bustan ketab qom (Publications of the Islamic Propaganda Office of Qom Seminary), qom, 1th. Edition.
- Makarem Shirazi, Nasser. 1371, Interpretation nemooneh.28 volumes. Dar al-Kotob al-Islam, Tehran, 10th. edition.

A Study on the Quantity of Income in Holy Quran and Bible

Mohammad Ali Hemmati

Assistant Professor, Quran Sciences

Vafadar Keshavarzi

Assistant Professor, Quran Sciences

Marziyeh Hossein Abadi

Master of Interpretation and Quranic Sciences

Abstract

God has assumed daily portion (income) not only for human beings but for all beings, with the difference that the breadth of human daily portion has various factors, many of which are related to their performance. Worldly daily portion in the Qur'an includes the necessities of life and spiritual daily portion has many examples such as blessed life. In the Holy Qur'an, human behavior towards fasts is involved in their continuation, expansion, interruption and receipt; This is also the case in The Bible, and since the nature of Islam, Judaism, and Christianity are the same, the teachings of these religions, which are created in their heavenly books, have similarities. This article studies the factors of receiving and expanding daily portion in the Qur'an and The Bible in a comparative-analytical manner. God has introduced the Qur'an and the covenants of daily portion, and one of the most important factors in expanding daily portion in both is obedience to God, and one of the most important factors in lacking it, is disobedience to divine commands.

Keywords: Quran, Bible, daily portion, income, blessing, expansion, lack.